

ریاضی باموشی

موش بیشتر، خانه‌ی شادتر ۶



همه‌ی دوست‌هایش توی خانه‌هایشان، داخل سوراخ
دیوار خانه‌ی آدم‌ها قایم شده بودند.
آلبرت ناله‌اش درآمد: «کاش می‌توانستم با کسی بازی
کنم!»



هوا بارانی بود. آلبرت حوصله‌اش حسابی سررفته بود.
آن روز خبری از بیرون بازی کردن نبود. خبری از موشم به هوا
نیبود. خبری از قایم موشک هم نبود.

